

۶۳۵

مکتب کومونیست
مکتبی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۲۹ بهمن ۱۴۰۰ - ۱۸ فوریه ۲۰۲۲

کارگران جهان متحد شوید!

اکراین

دریچه ای به واقعیت رقابت قطبهای جهانی بورژوازی

صفحه ۳

حسین مرادیگی (حمه سور)

اراده مبارزاتی کارگران فولاد، اعتراضات سراسری فرهنگیان!

ارزش مصرف سخنان اخیر خامنه ای!

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

اعلامیه حزب حکمتیست در باره تعیین دستمزد سالانه کارگران

دستمزد مکفی خواست فوری طبقه کارگر است!

بیش از ۴ دهه مصاف زنان علیه آپارتاید جنسی!

صفحه ۶

ملکه عزتی

فولادی ها دوباره به میدان آمدند

صفحه ۹

سعید یگانه

کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد

معلمان کشور علیه فقر و تبعیض

صفحه ۱۰

احمد بابائی

ستون اخبار مبارزات

کارگری و اعتراضات

اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

قتل زنان تحت

لوی فرهنگ

ناموسی پرستی

پردل زارع

جنبش پشیمان ها و

کمپین اعاده

سلطنت

سیاوش دانشور

۸ مارس

علیه طالبان در کابل و تهران

جهان در فاصله دو هشت مارس، شاهد سقوط یک جامعه، افغانستان، در منجلاب اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی بود. آمریکا طرح خروجش از افغانستان را با دادن کلید حکومت و اداره افغانستان بدست طالبان، این ضد زن ترین جریان تروریستی اجرا کرد. به اسارت کشیدن یک جامعه و محکوم کردن آنها تحت یوغ طالبان، فاکتور بسیار منفی ای در سیاست منطقه و جهان و بویژه برای جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی بود. در روز جهانی زن امسال، ضروری است صدای بشریت آزادیخواه جهان علیه حاکمیت طالبان و در دفاع از مبارزه و استقامت زنان در افغانستان بلند شود.

تدریجی گرایان میگویند آزادی بشر در گرو پیشرفت جامعه، رشد صنعت و تکنیک و وجود شرایط مادی ای است که بتوان از آزادی و رفاه برای انسانها صحبت کرد. یک مشاهده ساده نشان میدهد که دنیای قرن بیست و یکم در ثروت و تکنولوژی پیشرفته و دستاورد علمی و توان غول آسای بارآوری کار غرق است. با اینحال انسانها در قیاس با قرن گذشته بسیار بیحقوق تر و محروم ترند. این اوضاع برای هزارمین بار اثبات میکند که بشر بطور تدریجی و برگشت ناپذیری رُشد نمیکند و جلو نمیرود بلکه

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۸ مارس

علیہ طالبان در کابل و تهران ...

نیروهای واقعی سیاسی میتوانند جامعه را به قهقرا برگردانند. آمریکا و بورژوازی میتوانند بدلائل منافع و محاسبات شان، ارواح کهن و فسیل ها را احضار کنند و در یک بسته بندی دمکراتیک یا کودتائی به مردم تحمیل کنند. ناگهان جهان به حکومت بن لادن و بغدادی و خمینی و ترامپ و برلوسکونی چشم می کشاید. آزادی و برابری و حقوق جهانشمول انسانها که زمانی از ارزشهای معنوی بشریت پیشرو بود، امروز دور دست و چه بسا محال به نظر میرسد. عقبگردهائی که سرمایه و جنبش های ارتجاعی و ایدئولوژیهای منط به بشریت تحمیل کرده اند، نه فقط آرمانخواهی و تحقق ایده های قدیمی را به حاشیه رانده است بلکه سطح توقع انسانها از خود و از جامعه را بشدت تنزل داده است. دنیای امروز در جنگ و نفرت قومی و مذهبی و نسل کشی و زن ستیزی و کارگر کشی غرق شده است.

این یک طرف مسئله است. طرف دیگر، جنبشها و نیروهای سیاسی و طبقاتی هستند که هنوز برای امر تغییر تلاش میکنند و تغییر اوضاع موجود را ممکن میدانند. واقعیت اینست اگر وضع موجود را نپذیریم، اگر از عینک نظام بورژوائی و دستگاه مافیائی مذهب و مردسالاری نهادینه در آن نگاه نکنیم، با امکانات مادی و دستاوردهای تکنیکی و اطلاعاتی دنیای امروز، با هر محاسبه ای میتوان دنیائی آزاد و مرفه و خوشبخت برای همگان ساخت. میتوان از فقر و فلاکت و زن ستیزی و جامعه ستیزی و مصائب گریبانگیر بشر آزاد شد. اما هنوز مردسالاری و خشونت علیہ زنان بیشتر از طاعون و جُرام و پاندمی و حتی جنگها از بشریت قربانی میگیرد. سوال اینست که منشأ این زن ستیزی، این جان سختی مردسالاری، این فرهنگ ماجویستی کجاست؟ چرا ضدیت با آزادی و حرمت زن بعنوان یک انسان برابر در تمام شئون اجتماعی، علیرغم تفاوتی که در حقوق و موقعیت زنان در کشورهای مختلف هست، به شناسنامه دنیای امروز تبدیل شده است؟ چرا این فرهنگ منحن هر روز باز تولید میشود؟

تاریخ مکتوب بشر با زن ستیزی و زن کُشی عجین است. به این اعتبار زن ستیزی و تبعیض براساس جنسیت ویژگی سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ را مطابق با نیازهای بازار و سود سرمایه نونوار کرده است. مصائب جامعه امروز دیگر میراث عهد بوق و دوران جهالت بشر نیست بلکه محصول نظام سیاسی و اقتصادی امروز است. اگر هنوز زن کُشی در دنیای امروز الگوهای قرون وسطی را بخاطر می آورد، تنها بیانگر این واقعیت است که افکار و عقاید طبقه حاکم و نظام سرمایه داری تا سطح افکار و فرهنگ قرون وسطی سقوط کرده است. در دنیائی که انفجار اطلاعات آن را به "دهکده ای جهانی" تبدیل کرده است، در هر گوشه این دهکده، بورژواها و ژنرال ها و مشتی سیاستمدار نوکر و آخوند و سرعشیره و آدمکش حرفه ای خدائی میکنند. علم و دانش و تکنولوژی

و ثروت و دستاوردهای بشری، در دست بورژوازی به وسیله ای برای عقب راندن بشریت به عهد جهالت و رواج مردسالاری و خودمحوری و زن ستیزی و خشونت عریان علیہ میلیاردها نفر در خدمت منافع اقلیت بسیار ناچیزی، یعنی طبقه بورژوازی، بدل شده است.

همبستگی با زنان در افغانستان

یک رکن سیاست ما در روز جهانی زن فراخوان به مبارزه گسترده و جهانی علیہ اسلام سیاسی و ضرورت سرنگونی دولتهای اسلامی و طالبان ها در کابل و تهران است. جنبش جهانی آزادی زن ضروری است در ۸ مارس کنار زنان اسیر و مبارز افغانستان بایستد. همبستگی عمیق کارگران و زنان و مردان آزادیخواه ایران با مردم زحمتکش و زنان مبارز و ستمدیده افغانستان، یک رکن سیاست ماست. در ۸ مارس بر خواستهای فوری و پایه ای، بر برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی، بر نفی آپارتاید جنسی، بر سرنگونی طالبان ها در تهران و کابل تاکید می کنیم.

در این روز باید سرمایه داری را بعنوان مسبب تمام مشقات انسان امروز و تبعیض براساس جنسیت به محاکمه کشید. نظامی که انسانها را با مذهب و ناسیونالیسم و قوم پرستی و جنسیت و "بومی" و "خارجی" و "هویت جنسی" و "اقلیت" و "اکثریت" و غیره قصابی میکند، از این تقسیمات کاذب ذینفع است. کمونیسم علیہ این تقسیمات کاذب است. کمونیسم برخلاف سرمایه داری منفعتی در این تقسیمات کاذب و هویتهای کاذب ندارد. اگر برای بورژوازی فرودستی زن یک رکن انباشت سرمایه است، برای کمونیسم کارگری آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است. برای کمونیسم کارگری جنبش آزادی زن جنبشی قائم بذات برای نفی تبعیض و نابرابری و یک رکن برابری طلبی سوسیالیستی است. بشریت کارگری که برای آزادی جامعه برمیخیزد ناچار است بعنوان بشریت آزاد از هر گونه تبعیض و نابرابری برخیزد و به همین اعتبار ناگزیر است در تمام ابعاد ریشه های تبعیض و نابرابری و زمینه های اقتصادی و اجتماعی آن را درهم بکوبد.

سر دبیر.

۱۸ فوریه ۲۰۲۲

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم، بدون «خطر»

سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

آزادی، برابری، رفاه همگانی!



اکراین

دریچه ای به واقعیت رقابت قطبهای جهانی بورژوازی

حسین مرادیگی (حمه سور)

فرزندانشان را جلو چشمانشان میگیرند. رسانه های دول بورژوازی غرب به این فضا دامن میزنند، پوتین نیز نیروی مخرب نظامی خود را به رخ بشریت متمدن میکشد.

این اتفاق هرچند ظاهرا ناگهانی، اما بدون آمادگی قبلی نبود. محصول تغییراتی است که جهان وارد آن شده است. تشدید رقابت سیاسی - اقتصادی قطبهای بورژوازی و اعمار آنان در سطح جهانی، محلی و منطقه ای و خطرانی که طبقه کارگر و بشریت آزادخواه با آن روبرو است و اکنون می بینیم که دارد آن را تجربه میکند یکی از این موارد است که بیانیه اوضاع جهانی، مصوب پلنوم ۴۳ حزب، روی آن تاکید کرده است. افول تدریجی آمریکا از تک ابرقدرتی و ناکامی آن در خاورمیانه و خروج افتضاح آمیز آن از افغانستان، این رقابت را تشدید کرده است. انعکاس این رقابت را میتوان روی همه مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امروز جهان دید، از ویروس کرونا گرفته تا ورزش! ماجراجویی نظامی پوتین در اروپا به هدف بازگرداندن مرزهای مجاور روسیه زیر سلطه خود، آرایش حمله نظامی وسیع در اطراف اکراین، به گروگان گرفتن زندگی و آینده این مردم بدین هدف و تشویق اولیه همراه با تفاهم جو بایدن به پوتین، عکس العمل ناتو، اروپای واحد و دولت آمریکا را باید در این متن قرار داد و تعریف کرد.

این خطرات علیه طبقه کارگر و بشریت آزادخواه را باید جدی گرفت و برای بسیج نیروی این اکثریت عظیم علیه آن، فراخوان داد. این طبقه، این نیرو، چه در روسیه و اکراین و چه در دیگر کشورهای اروپایی و غیره، نه تنها نفعی در کشمکش و تقابل قطبهای بورژوازی، روسیه، ناتو، چین، آمریکا و اعمار محلی و منطقه ای آنان ندارند، بلکه مستقیماً علیه آینده خود و فرزندانشان به کار میرود. مشکل طبقه کارگر و دیگر مردم محروم جهان و اکراین، اکنون فقر است، بی کاریست، سطح بسیار پائین دستمزدها و محروم شدن هر روزه آنان از رفاه اجتماعی و تشدید نابرابری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توسط دول بورژوازی و سرمایه داران در سراسر جهان است. تهدید نظامی پوتین و پروپاگاند جنگی طرف مقابل با دولتی ناتوان و تحت فشار راست افراطی اکراین، بر این خواسته های واقعی و میرم طبقه کارگر در اکراین نه تنها سرپوش گذاشته است، بلکه آن را نیز تشدید کرده است.

غرب خواهان مدل دموکراسی خود در روسیه نبوده و نیست، این را پوتین نیز میداند. غرب میخواهد روسیه آنچه که هست باشد و منافع سیاسی خود را نیز در این می بیند. قرار نیست دموکراسی غربی هم جایگزین حکومت های مستبد و سرکوبگر از نوع اسلامی و غیر

صفحه ۴

رویدادهای دو هفته گذشته، سناریوهای سیاهی را که رقابت و کشمکش قطبهای جهانی بورژوازی برای بشریت امروز تدارک می بینند، جلو چشم جهانیان گرفت. چراغ سبز اولیه جو بایدن به پوتین برای او نتیجه داد. پوتین با گرفتن آرایش نظامی و تهدید اشغال اکراین که خیال میکرد میتواند از آن بعنوان اهرمی برای تحمیل خواسته های خود به اکراین و ناتو و اروپای واحد استفاده کند، به طرف مقابل در راه انداختن پروپاگاند وسیع و قریب الوقوع بودن هر لحظه جنگ و انداختن سایه جنگ بر اروپا و حتی بر جهان میدان داد و آنرا برایشان توجیه پذیر کرد.

پیمان ناتو که موجودیت آن زیر سوال بود، آمریکا علاقه ای به حفظ آن نداشت، جو بایدن با قرارداد سه جانبه، آمریکا، بریتانیا و استرالیا، برای ساختن زیر دریایی های اتمی مورد نیاز استرالیا، شکاف بیشتری را در ناتو ایجاد کرده بود. امانوئل مکرون از بی خاصیتی ناتو و ایجاد نیروی نظامی ویژه اروپای واحد، سخن میگفت، ناگهان در "بورس" قرار گرفت و یک شبه به نیاز "میرم" دول غرب، تبدیل شد طوریکه اکنون جو بایدن میگوید که حفظ ناتو برای او "مقدس" است. نه تنها اکراین که اکنون برسر دوراهی قرار گرفته است، نه تنها فنلاند و نروژ که مرز مشترک با روسیه دارند، بلکه سوئد و دانمارک نیز برای دفع تهدید نظامی روسیه پوتین در آینده، به فکر پیوستن به پیمان ناتو افتاده اند.

مشکلات عظیم داخلی آمریکا، ناتوانی جو بایدن در حل آن، بریتانیا و نخست وزیر آن، بی اعتبار در داخل و بی اعتبارتر در خارج، با جامعه ای ول شده در مشکلات آن، تحت الشعاع تهدید و پروپاگاند جنگی دو طرف قرار گرفت. مسابقه تسلیحاتی جدیدی را در خود کشورهای اروپایی راه انداخت و فروش تسلیحات نظامی را در مرکز معاملات روز قرار داد، همچنین ناسیونالیسم را در اکراین و در اروپا تقویت کرده است. فراتر از اینها، جوشش اعتراض از پائین طبقه کارگر و دیگر مردم محروم به شکاف عمیق نابرابری طبقاتی که خود را در افزایش فقر، در ناچیز بودن دستمزدها در مقابل فشار گرانی مایحتاج زندگی روزانه و افزایش بسیار بالای قیمت گاز و برق و به کاهش هر روزه سهم این طبقه از تولید کلیه نیازهای جامعه که خود تولید کننده آن است، علیرغم جدال روزانه با ویروس کشنده کرونا، دارد فعلاً زیر فضای تهدید و پروپاگاند جنگ و دود باروتی که به مشام میرسد، خفه میشود. اعتراضاتی که طلایه های آن نه تنها در اروپا، بلکه در دیگر کشورهای سرمایه داری نیز دارد پدیدار میشوند. به جای آن، فضای نا امنی، ترس و ابهام و تردید در مورد آینده خود و

مرگ بر جمهوری اسلامی!

جزو زبان دوم در اکرین بود، ممنوع کردند و پروسه اکرینی کردن شرق اکرین را شروع کردند. با این کار، خود را در سر دو راهی ای قرار داده اند. ترس از اشغال اکرین در آینده آنها را به کدام سمت میراند؟ عضویت در ناتو و خریدن ماجراجویی نظامی پوتین برای خود یا حل مسالمت آمیز اختلافات خود با روسیه پوتین و صرفنظر کردن از آن؟

این سوال که آیا جنگ روی خواهد داد یا نه؟ واقعی است، اما جوابش آسان نیست، پیچیدگی مسائل را باید در نظر گرفت. شروع جنگ با اشغال اکرین توسط پوتین یک احتمال است و هنوز هم برطرف نشده است. میتواند محدود به اشغال شرق اکرین و تحریک کردن بخش جدائی خواه آن و اشغال آن منطقه، منجر شود. جنگ هم الزاماتی هم نخواهد بود، اما میتواند در سطح محلی و منطقه ای موجی از کشتار و آوارگی و فقر و گرسنگی را موجب شود. میدیای غرب از قول رهبران سیاسی اروپای واحد و ناتو میخوانند چنین به افکار عمومی جهان القاء کنند که هنوز در مورد اهداف پوتین تردید دارند، در حالیکه میدانند که هدف اصلی پوتین، ممنوع کردن اکرین برای همیشه از عضویت در ناتو است. آیا پوتین به اشغال کامل نظامی اکرین که آینده روسیه و پوتین نیز در آن مبهم و تیره است اقدام خواهد کرد، یا به معلق کردن عضویت اکرین در ناتو و توافقاتی با ناتو و اروپای واحد و آمریکا فعلا تن خواهد داد؟ مسیری که محتمل به نظر میرسد. پوتین نیروی نظامی خود را در اطراف اکرین به هدف گرفتن امتیاز بیشتر نگاه میدارد، طرف غربی او هم از این برای ایجاد فشار بیشتر به پوتین، تحکیم کردن قدرت ناتو در کشورهای عضو در آن و راضی کردن پوتین به راه حل موقت و نیم بندی، سود می برد.

مساله اصلی اما برای طبقه کارگر و رهبران آن از جمله و بویژ کارگران رادیکال - سوسیالیست جنبش کمونیسم کارگری درون طبقه کارگر، نه رفتن در کش و قوس تهدیدات و پروپاگاندا جنگی طرف مقابل که اساسا به هدف ایجاد رعب و وحشت و ترس از آینده و کشاندن افکار عمومی جهان به این سمت است، بلکه درک خطرات ناشی از رقابت سیاسی و اقتصادی و تهدیدات نظامی قطبهای بورژوازی است که مستقیما علیه طبقه کارگر و آینده دیگر بشریت آزادیخواه عمل میکند.

هم اکنون جنگهای نیابتی اقمار مختلف قطبهای بورژوازی در خاورمیانه، آفریقا و نقاط دیگر در جریان است و ظاهرا پایان ناپذیر شده است که آوارگی و گرسنگی کشیدن و مرگ و میر و استیصال مردم بی دفاع و بیگناه آن را افکار عمومی جهان روزانه شاهدند. طبقه کارگر، رهبران و کارگران رادیکال سوسیالیست آن نباید سکوت کنند. نباید خود را بی وظیفه کنند. باید جنگ و جنگ طلبی و رقابت اقتصادی و سیاسی قطبهای مختلف بورژوائی را محکوم کنند و علیه آن نیرو بسیج کنند. ضروری است که این صف را متحدانه وارد میدان کرد. طبقه کارگر در روسیه و اکرین نه تنها جنگی با هم ندارند، بلکه سالهای طولانی در کنار هم زندگی کرده و علیه وضع موجود با دولت و بورژوازی این دو کشور مبارزه کرده اند. داشتند خصومت ایجاد شده در شرق اکرین توسط پوتین را ترمیم میکردند، پوتین با علم براین یک

صفحه ۷

اکراین دریچه ای به واقعیت رقابت قطبهای

جهانی بورژوازی ...

اسلامی و یا استبداد نظامی ها شود. وجود دیکتاتورها، نظامیان و حکومتهای استبدادی در کنار دموکراسی مدل غرب لازم و ملزوم همدیگرند برای ادامه استثمار طبقه کارگر، مهار این طبقه و تعرض به کارگر و کمونیسم و چپ و آزادیخواهی در سراسر جهان. "دموکراسی پارلمانی" و "دفاع از حقوق بشر" صرفا در خدمت گرفتن امتیازات اقتصادی و سیاسی از این حکومتها و فشار سیاسی بر رقبای بویژه چین و روسیه است.

پوتین به موقعیت فعلی روسیه راضی نیست. در پی ایجاد حیاط خلوتی است که مطالبه کارگر و کمونیسم و هر خواست چپ و آزادیخواهانه ای را در روسیه و مرزهای همجوار روسیه با تهدید و گسیل نیروی نظامی خود به بهانه "امنیت مرزهای روسیه" سرکوب کند، آنچه که در بلاروس و اخیرا در قزاقستان اتفاق افتاد، و هم پالگی های استبدادی خود را در قدرت نگاهدارد. این هدف را جز با تهدید و لشکرکشی و گذاشتن استخوان لای زخم و راه انداختن جنگ قومی در این کشورها نمیتواند تامین کند. مثال ملداوی است، مثال گرجستان است، مثال اعلام استقلال دو منطقه، هرچند فعلا به هدف تهدید، در اکرین نه توسط مردم آن مناطق، بلکه به وسیله دومای روسیه است!

پوتین هم اکنون به بخش زیادی از اهداف خود بویژه با "پیمان همکاری" با کشورهای آسیای مرکزی، دست یافته است. درخواست او برای بازگشتن به معاهده سال ۱۹۹۷، شروع سهم خواهی او بعنوان یکی از قدرتهای جهانی، از ناتو، اروپای واحد و دولت آمریکا در اتکاء به این موقعیت و همچنین دیدن اختلافات در ناتو، اروپای واحد و موقعیت جدید آمریکا در جهان و حمایت دولت چین از روسیه است. پوتین به اکرین بعنوان دروازه تحمیل سهم خواهی خود در جهان به ناتو و دول غرب و رسیدن به اهداف خود نگاه میکند. اما عکس العمل دول غرب را در این حد انتظار نداشت یا روی آن کمتر حساب کرده بود. ناگهان طرف مقابل را، بعد از رفت و آمدهای، نه تنها متحد در مقابل خود دید، بلکه ناتو و دول غرب را جسورتر از قبل با گسیل نیرو و امکانات نظامی به کشورهای شرق عضو ناتو و تحکیم مواضع خود، آنچه که پوتین آن را محاصره کردن روسیه توسط ناتو نام نهاده است، روبرو دید.

رهبران سیاسی اکرین در سال ۲۰۱۴ که منجر به درگیری در شرق اکرین و الحاق کریمه به روسیه توسط پوتین شد، با سحطی نگری و محدودنگری سیاسی خود و تن دادن به فشار بورژوازی راست افراطی اکرین و دوییدن به آغوش ناتو، داشتن مرز طولانی خود با روسیه، سرکار آمدن پوتین و روسیه دارای عظیم ترین زرادخانه نظامی و نیروی جنگی، اگر نه در سطح جهان، در اروپا است، نادیده گرفتند و فجایع فعلی را برای مردم اکرین بوجود آوردند. زبان روسی را که

در یک نگاه!

اراده مبارزاتی کارگران فولاد، اعتراضات سراسری فرهنگیان!

ارزش مصرف سخنان اخیر خامنه ای!

رحمان حسین زاده



انسانی و از جمله دروغ که اسم اسلامی شرعی "خدعه" بر آن گذاشته اند، این نظام مخوف ایجاد شده است. اینها خوب میدانند، اگر رژیم هیتلری، در رأس حاکمیت فاشیستی شان "گوبلز" برای پروپاگاندا سراپا جعل و دروغ داشت، جمهوری اسلامی هزاران گوبلز و در رأس نظام، از جمله خمینی، خامنه ای، رفسنجانی، بهشتی، مطهری، موسوی، خاتمی و روحانی و احمدی نژاد و هزاران آخوند و امام جمعه شعبده باز در مساجد و حوزه دارد. به نظرم جنبه جعل و سراپا دروغ و قیحانه سخنرانی اخیر خامنه ای نه جدید است و نه اهمیتی دارد. رژیمهای مستأصل و در این مورد جمهوری اسلامی بیشتر و بیشتر به وارونه گویی و دروغ از زبان بالاترین عناصرشان احتیاج دارند. برای تشخیص ارزش مصرف پروپاگاندا دیروز خامنه ای این جنبه ها را باید تکاند. سخنان دیروز او سینه خیزی برای دور جدید "نرمش قهرمانانه" در معاملات و "سازش برجانی است". اصلاً اتفاقی نیست، خامنه ای در روزی به سرهم بندی کردن چنین جعلیاتی در مورد "پیشرفتهای گذشته و حال نظامش" مبادرت میکند، که غروب همان روز اعلام شد، "سازش و توافق برجانی" به مرحله پایانی نزدیک است. این پروپاگاندا برای پرده پوشی "کرنش احتمالی" در مقابل به قول خودش "استکبار جهانی" است که بدنه متعصب و حزب اللهی سیستم و نظامش را بر اساس دشمنی با آن پروراند است. در نتیجه میخواد چرخش و سازش در حال جریان را با شعبده بازی آخوندی برای این بخش فالانژ نظام توجیه کند. اشاره او به "رعایت نشدن ملاحظاتهش در پروژه برجانی در دوره دولت روحانی و مشکلات بعدی آن" ترفند فرار به جلو آشنایی است که به آن بخش از حواریون هنوز متعهد به نظام بگوید، اگر امروز مجبور به کرنش شده اند، ریشه در "سازشکاری" جناح مقابل در گذشته دارد.

خامنه ای و نظام اسلامی که او در رأس آن است، غرق در بحرانهای مرکب و لاعلاجی است، که نه "توافق برجانی" و نه پروپاگاندا سراپا دروغین نمیتواند نجاتش دهد. پایان دادن به عمر این حکومت سیاه و ضد انسانی کار عاجل طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران است.

کارگران و معلمان زندانی،

کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

۱- اراده مبارزاتی کارگران فولاد، اعتراضات سراسری فرهنگیان!
کارگران فولاد اهواز بار دیگر با اتحاد و همبستگی، متکی به خرد جمعی و آگاهی و خواسته های برحق، با اعتصاب و کشاندن اعتراض به میان مردم و خیابان و با تکیه بر سابقه و پیشینه درخشان مبارزات سالهای اخیرشان، سرها را به طرف خود برگردانده اند. خواست محوری تامین معیشت شایسته زندگی انسانی نه تنها خواست کارگران، بلکه خواست اکثریت عظیم دهها میلیونی انسانهای اسیر دست زندگی زیر خط فقر تحمیل شده توسط سرمایه داری حاکم و جمهوری اسلامی است. این درد مشترک و فصل مشترک کلیه اعتراضات جاری بخشهای تحت فشار معیشتی و معترض جامعه است. اعتصاب و اعتراض کارگران فولاد توش و توان و قدرت بالایی به جنبش کارگری و فراتر از آن به کل جنبش اعتراضی و حق طلبانه جاری در جامعه می بخشد. به ویژه حرکت کارگران فولاد درست در هفته ای به صحنه میاید، که در آغاز هفته، تجمعات اعتراضی بازنشستگان و در پایان هفته، فراخوان مجدد فرهنگیان و معلمان به اجتماعات اعتراضی در سراسر کشور را در سی ام بهمن پیش رو داریم. حضور مبارزاتی کارگران فولاد و دیگر اعتراضات مراکز کارگری در همین روزها و همزمان با اعتراضات معلمان و بازنشستگان در هفته جاری برای تامین معیشت و زندگی بهتر، این فراخوان را برجسته میکند، که دوره متحد و همگام شدن جنبش اعتراض کارگری و توده ای در سراسر کشور برای تحقق خواسته های برحق مشترک و برای تعیین تکلیف جدی با جمهوری اسلامی است. این همبستگی و همگامی در وهله اول از کانال دست در دست هم گذاشتن رهبران و فعالین مبارزات کارگری و توده ای و در این مورد مشخص از طریق هم جهت و همگام شدن رهبران و فعالین کارگری فولاد و دیگر مراکز کارگری و فعالین معلمان و بازنشستگان و دیگر بخشهای مبارزه حق طلبانه رادیکال میگذرد. این اقدام بسیار ضروری است که هم اکنون در مقابل همه فعالین دلسوز جنبش کارگری و جنبش معلمان و بازنشستگان و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال قرار دارد.

۲- ارزش مصرف سخنان اخیر خامنه ای!

سخنان گوبلزی دیروز خامنه ای بیشتر توجهات را بر "وقاحت و بیشرمی" و جنبه سراپا دروغ و لفاظی او متمرکز کرده است. به ویژه "اصلاحیون و اعتدالیون" قدیم و جدید درون و بیرون حکومتی و مفسرین و ژورنالیستهای این طیف انگشت به دهان شده اند، که این آدم چگونه میتواند، خم به ابرو نیاورد، سیاه را سفید نشان دهد. میخواهند به روی مبارکشان نیاورند، از روز اول جمهوری اسلامی "عزیزشان" از زبان خمینی جلا د بنیانگذار بر اساس دهها ترفند ضد

کارگر، معلم پاخیز، برای رفع تبعیض!

بیش از ۴ دهه مصاف زنان علیه

آپارتاید جنسی!

ملکه عزتی



حقوق ابتدایی آنان بوده است. در مقابل این درجه از رشد وحشیگری و تلاش برای حذف زنان از عرصه های اجتماعی، زنان پا به پای این روند و در تقابل با آن، هر آنچه که توانسته اند برای پس زدن این قوانین و مخالفت و سرپیچی از این موازین پوسیده و ضد زن کرده اند. تعداد زندانیان سیاسی زن، فعالین عرصه زنان و همه آن کسانی که بخاطر شرکت در ۸

مارس ها، اول ماه مه ها و اعتراضات کارگری و معلمین بازداشت شده و حکم گرفته اند نشان از این تلاش و مقابله بسیار جدی زنان در جامعه ای دارد که زن ستیزی نهادینه حکومتی را با چالشی جدی روبرو کرده، آنچنانکه هر آخوند دایناسوری که بر منبر میروند و همه و ترس خود را از زنان و نقش آنان در سرنگونی حکومت نمیتواند پنهان کند. ۴۳ سال است زنان عرصه مبارزه را خالی نکرده اند، حتی با مرگ و تهدید و شکنجه نه تنها تسلیم شرایط موجود نشده اند، نه تنها از خواستهایشان عقب ننشسته اند بلکه هر بار در اعلام خواسته هایشان یک قدم به جلو برمیدارند. مونا را به فجیع ترین وضع موجود به قتل میرسانند دو روز بعد از آن زنان در سنج با پلاکاردهای "زن ناموس هیچکس نیست"، "آزادی زن معیار آزادی جامعه است" به خیابان میایند. کارگران هفت تپه علیه این جنایت بیانیه میدهند. معلمین علیه این فاجعه اطلاعیه میدهند و فعالین کارگری و اجتماعی خود را در مقابل این وحشیگری مسئول میدانند و علیه آن اعلام موضع میکنند. ۲۰ سال پیش قتل زنان در خفا صورت میگرفت و در خفا فراموش میشد و چه بسا تعدادی هم بر آن صحنه میگذشتند. شرایط امروز هم در سایه وضعیت سیاسی جامعه و هم در سایه وجود جنبش آزادی زن ممکن شده است.

در آستانه ۸ مارس در سایه مبارزه و اعتراضات جاری معلمان و کارگران و در شرایطی که جمهوری اسلامی در بدترین شرایط سیاسی و اقتصادی در طی این ۴ دهه قرار دارد، حضور زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در خیابان و محکوم کردن این جنایات با شعارهایی از قبیل "زن ناموس هیچکس نیست"، میشود سدی در مقابل این افسار گسیختگی ضد زن و قتل سریال زنان بست. قطعاً ۸ مارس تنها روزی نیست که باید در اعتراض به قتل زنان فریاد برآورد اما ۸ مارس میتواند روزی سمبلیک برای یک نمایش بزرگتر و تعرض سراسری جدی تر باشد. مصافی را که زنان در ۴۳ سال پیش در مقابل تحمیل حجاب اجباری شروع کردند و سالها بعد با اراده ای آهنین برای برچیدن شنیع ترین و غیر انسانی ترین قانون دین اسلام (سنگسار) ادامه دادند، نباید خاموش شود. اسید پاشی و تیغ کشی لشکر لمین های بسیجی ضد زن نتوانست بر اراده زنان و مردان آزادیخواه و تعرض آنان به این جنایات خللی وارد کند. امروز باید با سببه ای پر زورتر برای برچیده شدن هر نوع خشونت و در حمایت از زنان در مقابل فشار فرهنگ و سنن عقب مانده به میدان آمد.

ما بر این واقفیم که برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد و نفی کامل تبعیض و خشونت و بیحقوقی در یک جامعه سوسیالیستی و با تغییر قوانین نابرابر و ضد زن ممکن است. اما تا آن روز نباید در کنار

کمتر از یک ماه مانده به ۸ مارس روز جهانی زن، در گوشه ای از شهر اهواز در خیابانی پر رهگذر سر زنی از بدنش جدا شد. مونا ی جوان جان بر لبش رسیده بود، توان و تحمل ماندن در یک زندگی اجباری و ناخواسته را دیگر نداشت اما برای این تصمیم سرش بر باد رفت. پشت این قتل و بسیاری جنایات دیگر همیشه تصویری از ترمرد زنان و تن ندادن آنان به وضع موجود در میان است. ایجاد ارباب و وحشت اعم از خشونت فیزیکی یا روانی یا سایر انواع آزار و اذیت بعنوان یکی از انواع سرکوب در تمام دنیا شناخته شده است. اعمال خشونت جهت سرکوب و حفظ موقعیت فرودست زنان بطورسیستماتیک همه جا با درجاتی از شدت و ضعف وجود دارد. اما آنجا که دین بعنوان قانون حاکم در جامعه جاری است نتیجه آن مونا و رومینا و اسرین و لایلا و صدها زن قربانی خشونت؛ جنازه هایشان بدون ترس از عواقب قانونی عمل جنایتکارانه شان بر روی زمین کشیده میشود، سرهایشان بر داس میشود و آتش بر جانهای شیفته شان زده میشود. در بسیاری از موارد آمار و ارقام قتل زنان مشخص نمیکند که زنی که زیر فشار حفظ ناموس خانواده، دست به خودکشی زده اند، یا صحنه سازیهایی که طبق آن زنان بر اثر تصادف به قتل رسیده اند یا مواردی از ناپدید شدن زنان در زمره قتلهای ناموسی است. بسیاری از موارد قتلهای ناموسی هرگز گزارش نمی شوند یا ثبت نمی گردند. بسیاری از این قتلها، تحت عناوین دیگری ثبت و یا گزارش می شوند.

چرا قتل زنان، چرا توسط نزدیکترین اعضای خانواده؟ بیشتر کسانی که به این جنایات دست میزنند قطعا تحت تاثیر فرهنگ ضد زن و قوانین عقب مانده مردسالار و زیرعنوان دفاع از ناموس و شرف خانواده مرتکب چنین اعمال شنیعی میشوند. اما یک فاکتور جدی و مهم در این میان، قوانینی است که حامی این فرهنگ و این باور منسوخ و پوسیده است. قانونی که فرهنگ ضد زن را مکتوب میکند و این ضد ارزش ضد انسانی را بعنوان ارزش از مدرسه تا خانواده تا تبلیغ روزانه از طریق کتب درسی و تلویزیون، سینما و سایر امکانات سمعی و بصری به خورد جامعه و شهروندان میدهد. قانونی که در سایه این فرهنگ هر روز بخشی از حقوق انسانی زنان را محدود میکند تا جنایات بیشتری خلق شود و ارگانهای فاسد قضایی در مقام دفاع از آن برآیند. ۴۳ سال است جمهوری اسلامی با اتکا به قوانین ضد زن یک آپارتاید جنسی را بر جامعه تحمیل کرده است. بیش از چهار دهه است يك حکومت خشن و بیمار مذهبی در راس قدرت است که یکی از مهمترین عرصه های حفظ حاکمیتش تلاش برای حذف زنان از عرصه فعالیتهای اجتماعی و پایمال کردن

اکراین دریچه ای به واقعیت رقابت

قطبهای جهانی بورژوازی ...

سال پیش با تهدید اکراین و تحریک نظامیان روسی زبان شرق اکراین به جنگ، آن را به هم زد.

این دوره میتواند و باید به دوره محکوم کردن رقابت و تهدیدات نظامی قطبهای جهانی بورژوازی و گرفتن تفنگها علیه بورژوازی خودی تبدیل شود. این امکان را موقعیت عینی طبقه کارگر در تولید و نتیجتاً وزنه سیاسی و اجتماعی مهم این طبقه در این دوره در تقابل با دول بورژوازی و سرمایه داران در سراسر جهان را با شکاف عمیق طبقاتی ای که ایجاد شده است، ممکن کرده است. این وعده و وعید نیست، این واقعیت جهان در دهه سوم قرن بیست و یکم است. در غیاب این آلترناتیو، اوضاع همچنان دست قطبهای بورژوازی و اعمار آنان خواهد ماند. راست افراطی میداندار خواهد شد. می بینیم از قرنطینه ها و واکسن، عوام فریبانه برای نفوذ خود در میان اقشار ناراضی جامعه، استفاده میکند.

۱۷ فوریه ۲۰۲۲

بیش از ۴ دهه مصاف زنان

علیه آپارتاید جنسی ...

سرهای بریده زنان چنبره زد و آه کشید. ۸ مارس را به روز کیفرخواست زنانی تبدیل کنیم که در کشورهای اسلام زده در سایه قوانین آپارتاید جنسی امنیت و آسایش از آنان سلب شده است. اجازه ندهیم زنانی که در سایه حاکمیت طالبان، در زیر یوغ داعش، در عراق و اقلیم کردستان در زیر پرچم ناسیونالیسم و در ایران اسلام زده و ترکیه تحت رهبری اردوغان، جوانی و زندگی شان تپاه شده به فراموشی سپرده شوند. صدای رسای این زنان باشیم و به سرکوبگران حاکم در این کشورها اعلام کنیم این قوانین را به نمی پذیریم، زیر پا می گذاریم و به مصاف می طلبیم تا روزی که کل حکومت آپارتاید و قوانین ضد زن را دفن کنیم.

حضور در ۸ مارس جهت اعلام انزجار از این جنایات وظیفه هر انسانی است که خود را متعلق به صف آزادیخواهی و برابری طلبی میداند. روزی که این رژیم های منحوس و ضد زن سرنگون شوند و قهر انقلابی کارگران و مردم معترض آنان را از اریکه قدرت به زیر افکند، آن روز همه میدانند که مهر دفاع از حقوق زنان را کمونیستها و مردم آزادیخواه بر این مبارزات زده اند و مرتجعان و کهنه پرستان هم این را بخاطر خواهند داشت.

۱۷ فوریه ۲۰۲۲

در روز جهانی زن

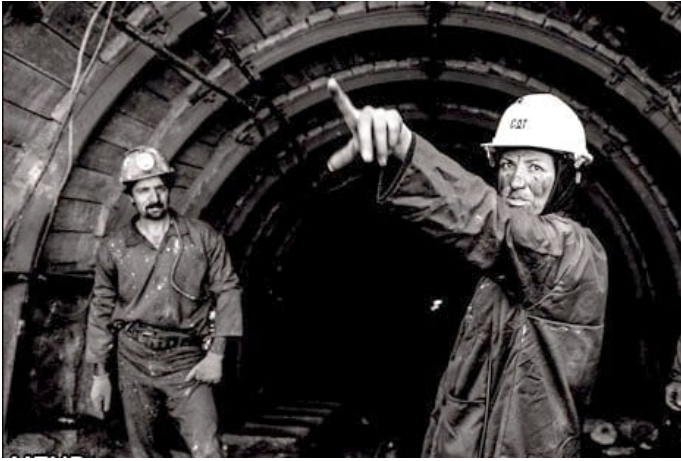
علیه طالبان ها در تهران و کابل!

جنبش آزادی زن و سنت هشتم مارس، میراث گرانبهای جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است. از کمون پاریس تا انقلاب اکتبر و انقلاب آلمان، از زنان انقلابی و سوسیالیست در آمریکا و انگلستان تا دانمارک و ایران، ستارگان و پرچمداران برابری زن و مرد بر تارک تاریخ می درخشند. تاریخ را کسانی ساخته اند و می سازند که سلطه طبقات دارا و نابرابری بنیادی و استبداد را نپذیرفتند. اگر در قرن بیست و یکم و در عصر انقلابات تکنولوژیک هنوز تبعیض براساس جنسیت یک مشخصه جوامع کنونی است، تنها بیان این واقعیت ساده است که سرمایه داری آزادی و برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد را نمی پذیرد، چون ستمکشی زن و تحمیل موقعیت فرودست در زندگی فردی و اجتماعی، یک رکن انباشت سرمایه است و نابرابری بنیادی در جامعه سرمایه داری را بازتولید میکند. در نظامی که تبعیض و نابرابری، مالکیت خصوصی، بردگی مزدی، استثمار فرد از فرد و ایجاد شکاف میان آحاد طبقه کارگر رکن اساسی آنست، آزادی زن از انقیاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگ و اخلاقیات متحجر سرمایه داری ممکن نیست. کسب برابری حقوقی و تغییرات در قوانین و پیشرفتهای حاصل شده در بخشی از کشورهای جهان، نه از ترقیخواهی بورژوازی بلکه نتیجه مبارزات قهرمانانه زنان و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بوده است.

آموزش رایگان برای همگان!

اعلامیه حزب حکمیت در باره تعیین دستمزد سالانه کارگران

دستمزد مکفی خواست فوری طبقه کارگر است!



بار دیگر دولت و کارفرمایان، برای تحمیل دستمزدی چند بار زیر خط فقر به کارگران دورخیز کرده اند. سیاست دولت بعنوان بزرگترین سرمایه دار و کارفرمایان، ارزان سازی مستمر نیروی کار و افزایش سود سرمایه است. خط فقر رسمی در ایران بالای شانزده میلیون و در کلان شهرها بیشتر است. دستمزد فعلی و شیوه "افزایش" آن براساس نرخ تورم جعلی بانک مرکزی، کماکان دستمزدها را دستکم سه بار و در بخشهای بیشتری چند بار زیر خط فقر نگاه میدارد. هدف طرح و لایحه "دستمزد توافقی" و "دستمزد منطقه ای"، که مجموعاً دستمزد دریافتی کارگران را باز هم کاهش میدهد، بازتولید ارزانتر نیروی کار است. همینطور قدرت خرید واقعی کارگران با گرانی بیوقفه و تورم سنگین و تبعات شناور کردن نرخ دلار هر روز سقوط می کند. سرکوب رهبران کارگری، ممنوعیت تشکل و تحزب کارگری و گسترش استبداد در کل جامعه، سنگ بنای سیاست تهاجم مستمر به سفره خالی کارگران است.

کار تبدیل میشود، با توجه به اینکه بخش مهمی از جامعه در فقر و نداری دست و پا میزند و هیچ ارگانی مسئولیت این وضعیت را بعهده نمی گیرد؛ سیاست طبقه کارگر برافراشتن پرچم دستمزد و حقوق پایه مکفی برای کلیه شهروندان و افراد آماده به کار است. سیاست طبقه کارگر، نظر به محدودیت های جدی شمول حداقل دستمزد و رفع مسئولیت دولت از تامین معیشت دهها میلیون حاشیه نشین و بیکار و مردم فقر زده، پاسخی به این سوال محوری و کلیدی جامعه است.

از نظر عملی، نظر به سرکوب و فقدان سازمانهای کارگری مستقل و برسمیت شناخته شده، دخالت طبقه کارگر در روند تعیین دستمزدها، تنها با عمل مستقیم کارگری و متکی شدن به مجمع عمومی ممکن است. یک جنبش مجمع عمومی حول افزایش دستمزدها و تعیین دستمزد و حقوق پایه مکفی، میتواند محدودیتهای کنونی را دور بزند و طبقه کارگر را با پرچمی فراگیر بیش از پیش جلوی صفوف مبارزه آزادیخواهانه و انقلابی برای آزادی و برابری و رفاه قرار دهد.

دستمزد پایه کارگران باید شامل همه طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار و بازنشسته، تولیدی و خدماتی، بدون هیچ استثنائی شود. این دستمزد پایه، اولاً باید جوابگوی تامین هزینه ها و لوازم درخور زندگی انسان امروز باشد و ثانیاً همین میزان بعنوان حقوق پایه مکفی به همه افراد تعلق گیرد. هیچ شاغل یا آماده بکار یا شهروندی نباید از حداقل حقوق پایه که بالاتر از خط فقر است و میزان آن توسط مجمع عمومی نمایندگان کارگران تعیین میشود، دریافت کند.

حزب کمونیست کارگری- حکمیت بخشهای مختلف طبقه کارگر را برای برافراشتن خواست دستمزد و حقوق پایه مکفی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت

۱۵ دیماه ۱۴۰۰ - ۵ ژانویه ۲۰۲۱

از نظر ما و کارگران پیشرو و کمونیست، "شورای عالی کار" بعنوان نهادی کارفرمایی متشکل از دولت و کارفرما و چند مزدور حکومتی، صلاحیت تعیین حداقل دستمزدها را ندارد. کارگران کمونیست مخالف الگوی سه جانبه گرایی هستند و تصمیمات نهاد کارفرمایی "شورای عالی کار" را برسمیت نمی شناسند. مرجع تعیین دستمزدها تنها در صلاحیت نمایندگان واقعی و منتخب طبقه کارگر از جمله مجمع عمومی کارگران است. یک هدف طرح "دستمزد منطقه ای و توافقی"، برداشتن هر نوع قانون و چهارچوبی در رابطه کارگر و کارفرما و تداوم محرومیت کارگر از تشکل و قرارداد دستجمعی و امنیت شغلی است.

حزب حکمیت همراه با کارگران پیشرو در تعیین و طرح خواستهای طبقه کارگر خود را به "امکانات و مقتدرات" بورژوازی محدود نمیکند. همینطور محاسبه حداقل دستمزدها براساس میزان نرخ تورم و یا با شاخص خط فقر سیاست ما و کارگران کمونیست نیست. ما مخالف شدید نظامی هستیم که هر روز صدها میلیون دلار هزینه فساد و تروریسمش است اما برای طبقه کارگر و مردم محروم "سید خانواده کارگری" تعیین می کند. کشمکش واقعی در ایران برسر نفی این آپارتاید طبقاتی و فلاکتی است که توسط طبقه حاکم به دهها میلیون کارگر و خانواده هایشان تحمیل شده است. نقطه عزیمت ما حق بی چون و چرای همه ساکنین کشور برای برخورداری از یک زندگی مرفه و انسانی است. سیاست ما در هم شکستن سیاست تشدید فقر و بمیدان آوردن بخشهای مختلف محرومان زیر پرچم طبقه کارگر علیه فقر و فلاکت است.

"دستمزد و حقوق پایه مکفی" شعار روز طبقه کارگر

از آنجا که کارگران ایران بدلیل سرکوب سیاسی فاقد سازمانهای توده ای مستقل از دولت هستند و اساساً در روند تعیین دستمزدها نقشی ندارند، همینطور بیشتر کارگران از شمول همان قانون ضد کارگری کار بیرون گذاشته شده اند و اصلاحیه های جدید قانون کار بخش بیشتری از کارگران را محروم تر و غیر ایمن تر میکند، از آنجا که تعیین حداقل دستمزد کارگران به مبنائی برای تعیین دریافتی دیگر بخشهای اردوی

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



اعتصاب و اعتراض طولانی هفت تپه از اهمیت خاصی برخوردار است. کارگران فولاد در کنار اعتراضات معلمان و بازنشستگان و دیگر بخشهای کارگری، روحیه اعتراضی و همبستگی مبارزاتی را قویتر می کنند. این اعتراضات گسترده طبقه کارگر لازم است از هر سو مورد حمایت سایر کارگران قرار بگیرد.

کارگران فولاد و هفت تپه و پتروشیمی و نفت که اکثر آنان در رنج و مشقت زندگی می کنند و وحشیانه استثمار می شوند، اگر چه مطالبات مختلف و بعضاً مشترک دارند، اما درد و رنج آنان یک سرچشمه دارد و از یک منبع رنج می برند، آنهم دولت و نظام سرمایه داری است. کارگران و مردم تهیدست ناچارند که برای ارتقای زندگی و بهبودی حتی موقت در معیشت خود به اعتراض و مبارزه روی بیاورند. این تنها کارگران بخشهای صنعتی نیستند که با چنین وضعیتی روبرو هستند، بازنشستگان، معلمان و فرهنگیان، بخشهای مختلف شاغل و بیکار طبقه کارگر با مشکل فقر و ناامنی اقتصادی و مشکلات روزمره روبرویند. شرایط بحرانی و عدم اطمینان از روزهای بعد که چه بلایی سر کارگر و مردم زحمتکش خواهد آمد. این اوضاع، کارگران و همه اقشار تهیدست جامعه را به مبارزه و مصاف روزانه با دولت و کارفرمایان کشانده است. خصوصی سازی، پیمانکاری، قراردادهای سفید و موقت کاری و عدم اطمینان از امنیت شغلی اکثریت کارگران و تهیدستان را در معرض نابودی قرار داده است. فقر و بیکاری و گرانی و تورم زندگی را بر اکثریت مردم کارکن این جامعه تلخ کرده است و امیدی به فردای بهتر زیر حاکمیت دولت سرمایه داری و مذهبی ایران سلب شده است.

واقعیت این است راهی جز مبارزه و اعتصاب و اعتراض خیابانی برای گرفتن حقوق پایمال شده خود، برای بهبود اوضاع، و برای عبور از جهانی که جمهوری اسلامی برای اکثریت مردم به وجود آورده باقی نمانده است. کارگران ملی فولاد اهواز و کارگران در مجتمع های صنعتی، معادن، مراکز خدماتی و آموزشی و درمانی، کارگاه ها و کارخانه های مختلف، مردم حاشیه نشین و محرومان محکوم شده به فلاکت، راهی جز همبستگی مبارزاتی، حمایت از خواست و مبارزه همدیگر، متحد و یکصدا شدن، متکی شدن به روش شورائی و اراده و اتحاد خود ندارند. متکی شدن به مجمع عمومی کارگران را متحد میکند و اتحاد قدرت کارگران را بنمایش می گذارد. اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنها در این مبارزه مشخص است. از مبارزه کارگران فولاد حمایت کنیم.

۱۶ فوریه ۲۰۲۲

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

حق گرفتنی است

فولادی ها دوباره به میدان آمدند

سعید یگانه

بعد از مبارزه و رزم کارگران نیشکر هفت تپه و تحمیل خواستهای خود به دولت و کارفرمای زالو، اکنون کارگران گروه ملی فولاد اهواز بعد از مدتها دندان روی جگر گذاشتن و عدم جوابگویی به مطالبات آنان، دگر بار با اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی متحدانه برای تحقق خواستهای برحق خود به میدان آمدند. این اعتراضات که طی دو روز متوالی بصورت راهپیمایی و تجمع مقابل استانداری و فرمانداری اهواز صورت گرفت مسئولین دولتی را وادار کردند که با آنان به گفتگو بنشینند و به خواست و مطالبات آنان گردن نهند. این دستاوردها که نتیجه برگزاری مجمع عمومی کارگری و مبارزه متحد کارگران فولاد به نتیجه رسیده است، مطابق نتایج مذاکرات قرار است با نظارت مستقیم پرسنل فولاد به مرحله اجرا درآورند، در غیر اینصورت مجمع عمومی کارگران تصمیم به ادامه اعتراض خواهند گرفت. بعد از این موفقیت کارگران اعلام کردند که "اگر تا اوایل اسفند نتایج حاصل نشد، مطمئن باشید خودمان این نتایج را با دست خودمان رقم خواهیم زد."

معنی این سخنان این است که حق گرفتنی است و دادنی نیست. کارگران فولاد این بار نیز با اعتراض متحدانه خود ضمن اینکه حرف شنوی از کارگران را به مسئولین دولتی فهماندند که دیگر صبر و تحملی برایشان نمانده است، اذهان جامعه را نیز به حق طلبی خود جلب کردند. همزمان با اعتراض و راهپیمایی کارگران فولاد، اعتراض کارگران شهرداری اهواز، که این نیز سابقه طولانی دارد و به خواست آنان رسیدگی نمی شود، با اعتراض کارگران فولاد به هم چفت شده اند و بار دیگر شهر اهواز شاهد اعتراض و راهپیمایی کارگران فولاد و اعتراض کارگران شهرداری شد.

کارگران فولاد خواستار طرح طبقه بندی مشاغل، تصویب ورود ماهیانه ۱۰۰ هزار تن مواد اولیه با مبدا صنایع فولاد خوزستان، افزایش دستمزد، ارتقای سطح معیشت، پرداخت پاداش و ارزاق یک میلیون و پانصد هزار تومان به تمامی پرسنل و اصلاح روند تقسیم پاداش تا قبل از پایان سال، افزایش سطح تولید و رفع موانع آن و تضمین اشتغال و جلوگیری از اخراج کارگران، حق بدی آب و هوا و تغییر ساختار مدیریتی بخش خصوصی هستند و از طریق مجمع عمومی کارگری و جلسات هم اندیشی در سالن اجتماعات فولاد بارها مطالبات خود را به گوش مسئولین رسانده اند. کارفرمایان توجهی به مطالبات کارگران نکردند و کارگران در مجمع عمومی شان تصمیم به اعتصاب و راهپیمایی گرفتند. اعتراض کارگران فولاد با توجه به سابقه مبارزاتی و اعتصاب و راهپیمایی در سالهای گذشته، بعد از

اعدام قتل عمد دولتی است!



احمد بابائی

کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد معلمان کشور علیه فقر و تبعیض

استفاده از آخوندها به جای مددکاران و مشاورین متخصص در عرصه کودکان، نه تنها سطح کیفیت آموزش را پایین نگه می‌دارد، بلکه با رواج خرافات مذهبی، تبعیض و نابرابری را بین کودکان گسترش می‌دهد. کودکان دختر بیشترین قربانی این آموزش در مدارس می‌گردند، رسوخ فرهنگ مردسالاری، فرودستی زن از همان مدرسه آغاز می‌گردد،

باصطلاح "کودک همسری" و درست تر تجاوز قانونی به کودک، به یک قانون تبدیل شده و هر ساله کودکان زیادی را به علت فقر و آموزش مذهبی ناچار به ترک تحصیل و ازدواج اجباری میکند. مونا حیدریها قربانی همین فرهنگ حاکم اند که در حمایت قوانین دولتی و حکومتی و فتوای آخوندها، آنرا در جامعه و در مراکز آموزشی بعنوان گوناگون ترویج می‌کنند. خواست معلمان، حذف آموزش مذهبی، موجب قطع یکی از پاهای اختاپوس مذهب و کوتاه کردن دست دولت از ترویج مذهب در بین کودکان خواهد بود. این خواست بدون سرنگونی جمهوری اسلامی و جدائی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش ممکن نیست اما باید هر روز فریاد زده شود و هر روز علیه دست درازی مذهب در امر آموزش اعتراض شود.

نبرد معلمان با دولت با وجود تحمیل هزینه دستگیری و زندانی شدن کماکان ادامه دارد، احتمال موفقیت معلمان زمانی بیشتر خواهد بود که اولاً نیروی وسیع شان را بمیدان بکشند و ثانیاً از بین کارگر و زحمتکش جامعه بیشترین حمایت و همبستگی را دارا باشد تا بتواند رژیم را به عقب نشینی و قبول خواستهای معلمان وادار کند. می‌بایست آینده بزرگتر و میدان عمل وسیعتری را تدارک دید. رتبه بندی، همسان سازی، همانند سنگر مبارزه برای افزایش دستمزد، رها شدن از چندین مرتبه زیر خط فقر، دستمزد مکفی برای زندگی در شرایط انسانی محسوب میشود. اینها سنگرهای مبارزه امروزند، اما سوال اینست که هنوز نیروی کمی از جمعیت وسیع معلمان و فرهنگیان در کشور بمیدان آمده است. پیروزی این اعتراضات برحق در گرو قدرتمند تر شدن جنبش معلمان و حمایت وسیع تر بخشهای دیگر طبقه کارگر از همدیگر است.

تصورش سخت نیست که چه نیروی بزرگی دور هم جمع خواهند بود وقتی اکثریت معلمان برای درد مشترک حضور یابند. این اتحاد وسیع تر فقط با دعوت از ساکت ها عملی نمیشود. الان که روحیه اتکا به خرد جمعی همه جا هست و بعنوان یک روش مفید و کارا به آن تکیه میشود، بهتر است معلمان و فرهنگیان و کارکنان در هر مدرسه، دستجمعی در مورد مشکلات شان تصمیم بگیرند، نماینده تعیین کنند و حرفشان را به بقیه برسانند. همین روال در بین تصمیم گیری های معلمان کم و بیش رایج شده است، باید آگاهانه آنرا گسترش دهیم. مجمع عمومی بسیاری از ملاحظات و مشکلات را دور میزند، اتکا به تصمیم و خرد جمعی قدرت فوق العاده ای دارد که ناشدنی را شدنی می‌کند. در هر حال، بخشهای مختلف طبقه کارگر از این مبارزه برای بقا پس نمی‌زنند، ناچار به مبارزه و اتحاد و تشکل و اعمال قدرت اند. مجمع عمومی ها تامین کننده و تضمین کننده این اتحاد وسیعتر است. اتحادی که بر شرکت مستقیم و مستمر کلیه افراد نینفع در خواستهای برحق معلمان تکیه دارد. اتحاد و همبستگی بین کارگران، معلمان و محرومین جامعه، ضامن دخالت مستقل طبقه کارگر برای نبردهای بزرگتر و از جمله سرنگونی رژیم است. کمک کنیم، حمایت کنیم، همبسته تر و متحدتر باشیم.*

اعتراض متحدانه خیابانی کارگران فولاد با تحمیل خواسته های خود به کارفرمایان و متعاقب آن به دولت موقتا تمام شد و فولادیان همچنان گداخته به سرکار برگشتند. کارگران فولاد اعلام کردند ما اوضاع را زیر نظر داریم، در صورت هرگونه پشت گوش انداختن مسئولین به تعهدات خود، روال همان خواهد بود که ما قبلا عمل میکردیم و آن مجمع عمومی در سالن اجتماعات و تصمیم گیری جمعی و اجرای تصمیمات است. در فولاد سنت مجمع عمومی و تصمیم براساس خرد جمعی سابقه دیرینه دارد. از سال ۹۷ و حتی ماقبل آن، آنچه ما در اعتراضات کارگران فولاد در خیابانهای اهواز مشاهده میکردیم، حاصل مجادله و مذاکره جمع وسیعی از نمایندگان کارگران بود.

تجمع پرشور چند روزه اخیر در مقابل استانداری، حاصل جلسات منظم چند ماه اخیر در سالن اجتماعات فولاد بود. اینجا سنگر فولادی ها است. در این اجتماعات کارگران مسئولین را وادار به پاسخگویی به کارگران کردند، بارها از مدیریت تا سایر مسئولین خرید، فروش و قراردادهای را به پای پاسخگویی کشاندند تا جاییکه در ده روز قبل استاندار اهواز و شورای تامین استان به شرکت فولاد مراجعه کردند اما با خواستهای کارگران موافقت جدی نکرده و حواله به جاهای دیگر می‌دادند. جواب و تصمیم کارگران نیز اعتراض خیابانی و تجمع در مقابل استانداری شد. سه روز اعتراض و اعتصاب قدرتمند کارگران و اخطار جدی به مسئولین استان، سرانجام عقب نشینی را به کارفرما تحمیل نمود. کارگران با اعتماد به نفس و متحد منتظر نقد شدن خواستهایشان هستند. کارگران فولاد علیه ظلم و بیداد متحد ایستاده اند. معلمان کشور علیه تبعیض بپاخاسته اند. صدای استقامت هر جا می‌پیچد و عزمی پولادین علیه ظلم و تبعیض و فساد بمیدان آمده است. این صدای عدالتخواهی کارگری است که با جنبش های توده ای و اعتراضی در جامعه گره میخورد.

اعتراضات معلمان علیه فقر و تبعیض

معلمان در چند ماه گذشته بطور سراسری، با مجموعه ای از خواستها، که بخش وسیعی از اقتدار کارکن و زحمتکش جامعه را شامل می‌شده، توانست توجه جامعه را به خود جلب کند. میلیونها کودک بعلت فقر و تهیدستی محروم از رفتن به مدرسه و حق آموزش هستند، کودکانی که به علت محرومیت از کمترین امکانات و ثروت اجتماعی به طور دائم قربانی می‌گردند و کودکانی که وارد بازار کار گردیده و مورد ستم، توهین و تحقیر و خشونت واقع می‌شوند. خواست آموزش رایگان و تحقق آن، برای کودکان قربانی فقر موقعیتی فراهم می‌کند تا به آموزش دسترسی پیدا کنند.

دروس و آموزشی مذهبی رایج در مدارس، جشن تکلیف دختران،

قتل زنان

تحت لوای فرهنگ ناموس پرستی

پردل زارع

"جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است". منصور حکمت

بله، اگر هر روز خبر فجیع قتل زنان را می شنویم، دیگر جنون سجاد و عباس و دیگری نیست، این خود جامعه و عقل آنست که جنون آمیز است و جنایت می آفریند. هر روز خبر کشته شدن زنان به عناوین مختلف از جمله تحت عنوان "ناموسی" بگوش میرسد. قتلهای فجیع و تکان دهنده اما واقعی در میان ناباوری. بخشی از این جنون فرهنگ مردسالار و ارزشهای ضد زن و عهد عتیقی است. ناموس پرستی فرهنگی که تا عمق استخوان ارتجاعی است، فرهنگی که در آن زن درجه دوم و جزو مایملک مرد محسوب میشود، فرهنگی که هر روز جنایت می آفریند. کشتن و سلاخی کردن زنان به دست مردان خانواده، یا تحت تصمیم جمعی خانواده از زن و مرد، روزی به دست پدر و روزی به دست شوهر و روزی به دست برادر و مابقی اعضای خانواده در چهارگوشه ایران، یک واقعیت تلخ است. مقصر و بانی اصلی در این میان رژیم اسلامی است که با قوانین اسلامی ضد زن و تحمیل فرودستی قانونی به زنان، تبلیغات مستمر اسلامی ضد زن، تحریک به قتل زنان، مجازات نکردن یا تخفیف در مجازات قاتلین زنان، دست مردان و اسپرگرا را برای اعمال خشونت و حتی قتل زنان باز گذاشته است. جمهوری اسلامی با صرف مستمر بودجه های هنگفت و بخدمت گیری ابزار تبلیغاتی اش، فرهنگ گنبدیده و ضد زن اسلامی را جار میزند، برای گسترش آن در محل کار تا خانه و مدرسه و دانشگاه تبلیغ میکند، البته در این راه شکست های سنگینی هم در کارنامه خود دارد.

خبر کشته شدن مونا حیدری یک دختر هفده ساله اهل اهواز به دست شوهر و برادر شوهر مرتجع اش، دختریکه در کودکی از طرف پدر مرتجع اش مجبور به ازدواج شده بود، کسی که بعد از تلاشهایش برای رها شدن از دست شوهر روان پریش اش، خسته و مایوس به امید اینکه پدرش فریاد ریش میشود دست کمک را به سوی او دراز کرده بود، اما غافل از اینکه پدرش فقط قصد دارد که او را برای سلاخی کردن آماده و تحویل شوهرش دهد. خبر کشته شدن مونا جامعه ایران و بخصوص مدافعین حقوق زنان را در آستانه هشت مارس در غم و اندوه فرو برده است. به گفته کسبه و اهل محل که شاهد ماجرا بودند قاتل بعد از کشتن مونا حیدری با سر بریده شده این



دختر جوان شروع به گردش در دو خیابان و محله شهر اهواز کرد تا نشان دهد "بی غیرت نیست!" سجاد نشان داد با پشتوانه افکار حاکم و سیستم امنیتی و یک مشت مهملات بی معنی مانند "غیرت و ناموس" میشود فجیع ترین جنایت را صورت داد و آزادانه در سطح شهر آنرا جار زد. بلکه سر و جان و خون زن قیمت غیرت و ناموس است. پلیس زیر فشار شوک و واکنش افکار عمومی قاتلین را دستگیر کرد اما تردیدی نیست که قانون پشت اینهاست.

متأسفانه قوانین کثیف اسلامی و ضد زن همواره یار و یاور مرتجعین عقب افتاده بوده و هست و سالهاست در حال باز تکرار این جنایات و نفرت پراکنی علیه صف آزادیخواهی و قربانی گرفتن از زنان در جامعه است. قبل از مونا هم دختران دیگری هم مانند رومینا اشرفی، گلاره شیخی، اعظم شیدا، سمیه فتحی و بیشمار زنان دیگر به شیوه های گوناگونی به قتل رسیدند و قاتلین آنها آزادانه در جامعه چرخ میزنند و فاجعه می آفرینند. رژیم اسلامی ایران با صرف هزینه های هنگفت و هموار کردن راه کشتن و تجاوز به زنان و دختران و ثبت قوانین ضد زن، مسبب اصلی این قتلها و اعمال خشونت بر زنان است. سجدها در پناه این قوانین جنایت می کنند و وحشت می آفرینند. متقابلاً جمهوری اسلامی با حمایت از جانپان و تشویق این نوع جنایات، تلاش دارد جامعه و زنان را عقب براند و خواست برابری زن و مرد در تمام سطوح را انکار و سرکوب کند. آنچه اما دیده میشود نفرت زنان از حکومت و از اسلام و آخوند و صدای بلندشان برای در هم کوبیدن رژیم اسلامی یعنی ریشه تمام این جهالت ها است.

۱۵ فوریه ۲۰۲۲

Pordelzarh1985@gmail.com

اطلاعه

par:ow TV

بینندگان عزیز

از اول اکتبر ۲۰۲۱، کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" تلویزیون مشترک نیروهای چپ و کمونیست بخش خود را آغاز می کند.

از اول اکتبر، تلویزیون پر تو، رسانه تصویری حزب حکمیت، برنامه های خود را از این کانال پخش می کند.

ماهواره پاه ست
فرکانس: ۱۲۵۹۴
پولاریزاسیون: عمودی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰
ا ف ای سی: ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعتهای
۳:۳۰ تا ۴:۳۰
۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰
۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

ALTERNATIVE TV

نه قومی نه مذهبی هویت انسانی!



برای راه انداختن موجی از غلط کردم در میان جنبش ضدشاهی، برای بیعت مجدد روشنفکران شرق زده و اسلام زده با رکن ملی و سلطنتی و معطر به گلاب دمکراسی لیبرال است. پشیمانان البته حق دارند از موضع امروز عمل گذشته خویش را بیرحمانه به نقد بکشند. آنها نهایتاً میان دو جناح مشروعه - مشروطه در نوسانند.

تاریخ صد سال گذشته ایران را این دو خانواده بزرگ و دو جنبش ارتجاعی رقم زده اند. خامنه ای ها رفتی اند، همدستان دیروز باید پشیمان شوند و بفکر آینده و بیزنس شان باشند. برای این باید در نقش صاحب و شرکت کننده در انقلاب و "کسانی که انقلاب کردند"، ظاهر شد و بعد همان عمل را به شلاق کشید با این امید واهی که سرنگونی خواهی امروز جامعه به انقلابی دیگر فرا نرود.

خیلی از این پشیمان ها نقش مهم و قابل توجه ای در آن انقلاب و عمل بزرگ نداشتند. بسیاری روایتها جعلی و وارونه اند و از نظر پابندی به حقایق تاریخی در حد صفر است. این هم گوشه دیگری از فرهنگ ارتجاع و سانسور و استبداد است که رسانه ها روایت وارونه و رسماً دروغ را بعنوان حقایق مُسَلَّم پخش می کنند و عده ای بیزنسن سیاسی که عمدتاً تا دیروز در رکاب حکومت اسلامی بودند، سرکوب شدگان و اعدام شدگان همین رژیم را به "مدافع خمینی" و حامیان و شرکای دیروز خمینی را به مدافع رژیم سلطنت و دمکراسی بدل می کند! روایان ما، جنبش پشیمان ها، فشرده دو ارتجاع سلطنتی و اسلامی را علیه انقلاب معنی کردند.

تاریخ واقعی اما در خیابانها دارد رقم میخورد. تاریخ شکست نخوردگان که زندگی و رفاه و آزادی میخوانند، از شاه و ولی فقیه و استبداد و تبعیض و نابرابری و فساد بیزارند. این نسل اینترنت و هوش مصنوعی است. این نسل را نمیتوان با خرافات ملی و اسلامی مسخ کرد.

۱۶ فوریه ۲۰۲۲

جنبش پشیمان ها و کمپین اعاده سلطنت

سیاوش دانشور

در سالهای اخیر، شاید بیشتر از اواخر دهه شصت، با صفی مواجه هستیم که میگویند از انقلاب کردن پشیمان اند، از شرکت در انقلاب پشیمان اند، از مردم و نسل جدید عذر می خواهند، بعضاً میگویند غلط کردم، بیشتر هم می گویند.

مناسبت بهمن ماه هر سال فرصتی میدهد که اپوزیسیون راست ایران، با منطق همیشگی "انتخاب بین بد و بدتر"، اولاً از رژیم شاه و سلطنت اعاده حیثیت کند و ثانیاً مجدداً همان سناریوی ۵۷ و راه دست بدست شدن قدرت بین دو بخش بورژوازی ایران را تسهیل کند. آنچه چهار دهه پیش رخ داده دیگر تاریخ دور یک جامعه محسوب میشود و "اگر" های ته تاریخی فاقد یک ذره بار علمی و حتی تحلیلی برای مسائل امروز است.

اما جنبش پشیمان های انقلاب و عبارات "من پشیمانم" و "من غلط کردم" و "ما معذرت می خواهیم" و ... یک عمل سیاسی مشخص و هدفدار است. گذشته را باید به گذشتگان سپرد، آنچه جستجو میشود بهانه اش گذشته است اما هدفی در همین امروز و آینده نزدیک دنبال می کند. اشتباه است اگر کسی فکر کند این سخنان از وجود گویندگانش برخاسته و باور امروزشان است. نخیر، این بازار است و قواعد خودش را دارد. بحث برسر تجارت و یارگیری است، بحث برسر دفاع از منافع طبقات مشخصی است، بحث برسر دستور کاری همین امروز و تهیه مقدماتی برای فردا است. واکاوی و ارزیابی گذشته همواره جانی در عمل امروز پیدا می کند. پشیمان ها در واقع از چیزی پشیمان نیستند، عمده شان با اصولاً در انقلابی شرکت نداشتند و یا اگر شرکت مختصری داشتند، کنار راست ترین عناصر ضدانقلابی و جریانات عهد عتیقی بیتوته کرده بودند. آنها امروز هم علیه انقلابیون حرف میزدند. آنروزها که پشیمان های امروز عمدتاً کنار رژیم اسلامی و کنار خمینی "امام ضد امپریالیست" شان بودند، کارشان مبارزه نبود بلکه تثبیت ارتجاع و همراهی با سرکوب انقلاب توسط ضد انقلاب اسلامی بود. کارشان دفاع از حقوق زن و علیه حجاب نبود بلکه یا راساً در تحمیل روسری به زنان دست داشتند و یا می گفتند و می نوشتند که "مسئله زنان در ایران حجاب نیست". این پشیمان ها، حتی در خارج هم، مدتها لچک را بعنوان یک رکن هویت شان حفظ کردند.

با اینحال پشیمان ها بعنوان عناصر خودشان فاقد محتوای امروزی اند. کسی که میگوید چهار دهه پیش فلان اقدام اشتباه بود، راجع به تاریخ حرف میزند، یک راوی از میان میلیونها، بدون تاثیری در آن گذشته. اما معنی امروز حرفشان مهم تر است. کمپین سلطنت طلبان و فاشیست های فرسگردی برای اعاده حیثیت از رژیم سلطنتی،

دانش آموزان و خانواده ها
از اعتراضات برحق معلمان حمایت کنید
آزادی و رفاه حق مسلم ما است

حزب کمونیست کارگری - حکمونیست
 تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمونیست

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

راهبران مترو تهران و حومه در طول سه سال اخیر از طرف شرکت بهره‌برداری مترو هیچ لباس کاری تحویل نگرفته‌اند. کارگران راهبر مترو از این کمپین با عنوان "گام اول" نام می‌برند.

اعتصاب کارگران داربست‌بند و مونتاژکار پتروشیمی کیان
روز یکشنبه ۲۴ بهمن‌ماه کارگران داربست بند و مونتاژکار پتروشیمی کیان واقع در عسلویه که در استخدام بیمانکاری کیوانی و زیر نظر شرکت ماشین سازی اراک هستند در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه‌شان اعتصاب کرده و دست به تجمع زدند.

تجمع کارگران اخراجی نورد لوله اهواز مقابل استانداری
روز دوشنبه ۲۵ بهمن‌ماه جمعی از کارگران شرکت نورد لوله اهواز ضمن برگزاری تجمع اعتراضی مقابل استانداری خوزستان خواهان بازگشت به کار خود شدند. این کارگران که تعدادشان به بیش از ۳۵ نفر می‌رسد و سابقه کاری از ۴ الی ۵ سال تا ۱۵ سال دارند. حدود یک ماه پیش کارفرما بدون هیچ دلیلی اقدام به اخراج بیش از ۵۰ نفر کرد که تنها چند نفر از آنان به کار بازگشتند. بقیه کارگران در ایام پایان سال و آستانه عید و سال نو هنوز بلا تکلیف هستند. کارگران خواهان بازگشت به کار و تبدیل وضعیت خود هستند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت کیان تایر
کارگران شرکت کیان تایر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و مطالبات خود با آتش زدن لاستیک دست به تجمع اعتراضی زدند.

حوادث کار بدلیل عدم ایمنی محیط کار
روز پنجشنبه ۲۱ بهمن‌ماه، یکی از کارگران سیمان اداره برق شهرستان پاره در استان کرمانشاه حین مأموریت دچار حادثه برق‌گرفتگی شده که متأسفانه این حادثه منجر به مرگ وی شد. وی مهدی حسینی نام دارد ۳۵ ساله و دارای یک فرزند ۴ ساله و ساکن شهرستان جوانرود می‌باشد.

تجمع رانندگان تاکسی در اعتراض به پرداخت عوارض
رانندگان تاکسی شهرستان بهارستان صبح روز یکشنبه ۲۴ بهمن با پارک کردن خودروهای خود در کنار اتوبان نسبت به پرداخت عوارض در آذرآه تهران - ساوه اعتراض کردند.

اعتصاب سراسری و تجمع اعتراضی دامداران
روز دوشنبه ۲۵ بهمن‌ماه جمعی از دامداران یزد و اصفهان و خراسان با اعلام اعتصاب و عدم عرضه دام برای کشتار، در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل کشتارگاه این شهر دست به **صفحه ۱۴**

اجتماع کارگران گروه ملی فولاد اهواز مقابل استانداری
روز یکشنبه ۲۴ بهمن‌ماه کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. کارگران گروه ملی فولاد اهواز پیشتر مطالباتشان را به مسئولین شرکت و مسئولین استان اعلام کرده بودند، اما بی‌توجهی آنان نسبت به خواسته‌های کارگران دست به اعتراض و تجمع زدند. روز دوشنبه ۲۵ بهمن‌ماه نیز کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان برای دومین روز متوالی مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. همزمان با تجمع کارگران گروه ملی فولاد، کارگران شهرداری اهواز هم مقابل استانداری تجمع داشتند در این تجمع کارگران با سر دادن شعار فولاد، شهرداری، اتحاد، اتحاد به اعتراض خود ادامه دادند.

اجتماع کارگران اخراجی شرکت لوله‌سازی خوزستان
روز پنجشنبه ۲۱ بهمن‌ماه جمعی از کارگران بیکار شده شرکت کارخانجات لوله‌سازی خوزستان در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات شان مجدداً مقابل استانداری خوزستان در اهواز دست به تجمع زدند.

کارگران سیمان سپاهان دست به تجمع زدند
روز ۲۳ بهمن‌ماه، کارگران سیمان سپاهان در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی، دستمزد پایین و عدم امنیت شغلی دست به تجمع زدند. کارگران معترض همچنین خواستار بازگشت به کار همکاران اخراج شده خود شدند. این اعتراضات روز یکشنبه ۲۴ بهمن هم ادامه یافت.

تجمع معلمان حق‌التدریسی آموزش و پرورش
معلمان حق‌التدریسی مرحله سومی، روز شنبه ۲۳ بهمن ماه با تعطیل کلاس‌های درس در مقابل ساختمان وزارت آموزش پرورش در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. معلمان معترض نسبت به عدم صدور احکام استخدامی که در سال ۹۷ به تصویب مجلس رسیده بود، اعتراض دارند و خواهان پیگیری مطالبات صنفی خود توسط مسئولان شدند. تجمع‌کنندگان علیرغم سال‌ها سابقه کار، همچنان با حقوق دریافتی ماهیانه ۲ میلیون تومان و با معضلات معیشتی عدیده روزگار می‌گذرانند و تاکنون احکام استخدامی آنها رسمی نشده است.

راهبران مترو تهران دست به اعتراض زدند
راهبران مترو تهران و حومه در اعتراض به عدم تحقق مطالبات و همچنین عدم تحویل به موقع لباس فرم طبق قانون کار، از روز ۱۶ بهمن، کمپین پوشیدن لباس شخصی در محل کار را راه انداخته‌اند.

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

ستون اخبار کارگری

و حرکتهای اعتراضی ...

تجمع زدند.

تجمع جمعی از بازنشستگان شرکت نیشکر هفت‌تپه

بازنشستگان سال ۹۹ و ۱۴۰۰ نیشکر هفت‌تپه روز شنبه ۲۳ بهمن ساعت ۹ صبح در اعتراض به پرداخت نشدن بخشی از سنوات شغلی خود پس از منع ورود آنها به شرکت توسط حراست، اقدام به بستن درب بهره برداری نموده و سپس در مدیریت شرکت تجمع کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان صنعت نفت اصفهان

روز شنبه ۲۳ بهمن ماه، شماری از بازنشستگان صنعت نفت اصفهان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان، در مقابل ساختمان دفتر بازنشستگی صنعت نفت واقع در خیابان میرداماد این شهر، دست به تجمع زدند.

تجمع سراسری بازنشستگان تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۲۴ بهمن‌ماه بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی تهران، اصفهان، تبریز، اهواز، شوش، اراک، مشهد، رشت، سنندج، خرم‌آباد، کرمانشاه و شوشتر مقابل ادارات کل تأمین اجتماعی استانهای مربوطه دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی نسبت به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی خود معترض هستند و خواهان افزایش و همسان‌سازی کامل حقوق‌ها می‌باشند.

تجمع بازنشستگان صندوق فولاد اصفهان

روز یکشنبه ۲۴ بهمن‌ماه جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی فولاد اصفهان مقابل ساختمان این صندوق در اصفهان تجمع کردند. این بازنشستگان خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود هستند.

قتل کارگران در محیط‌های ناامن کار

روز جمعه ۲۲ بهمن نادر موسوی کارگر پیمانکاری پتروشیمی بندر امام بر اثر حادثه کار جان خود را از دست داد. این کارگر، طرف قرارداد با شرکت پیمانکاری فیرمکو بوده و در حین انجام اورهال سالانه و بدلیل عدم امکانات کافی ایمنی، جان خود را از دست داد. روابط عمومی پتروشیمی در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است: با نهایت تأسف و تأثر یکی از کارگران اورهالی تعمیرات اساسی گروه جت زنی شرکت فیرمکو پیمانکار اجرایی تعمیرات مجتمع بسپاران در حین جت زنی کویل‌های رآکتورهای واحد SR دچار حادثه شد و علیرغم احیا و اقدامات پزشکی صورت گرفته متأسفانه در اثر شدت جراحت جانباخت.

روز یکشنبه ۲۴ بهمن یک کولبر با نام عثمان بدری اهل روستای "وانیسر" شهرستان ثلاث‌باباجانی در مرز نوسود توسط نیروهای مرزی

مجروح شد. این کولبر که با شلیک مستقیم گلوله و بدون هشدار قبلی به ناحیه سر و بدنش به شدت زخمی شده بود جهت مداوا به مراکز درمانی نوسود منتقل شده است.

سه‌شنبه شب ۲۶ بهمن‌ماه نیز، یک کولبر به نام "فرشاد رستم‌نژاد" اهل جوانرود هنگام کولبری در مرز نوسود با شلیک مستقیم نیروهای هنگ مرزی زخمی و جهت مداوا به بیمارستان منتقل شد.

شامگاه روز دوشنبه ۲۵ بهمن‌ماه یک کولبر به نام آزاد اسماعیل‌پور اهل روستای "کولسه" از توابع سردشت در حین کولبری بر اثر سقوط از ارتفاعات روستای "آواتان" این شهرستان جانباخت. آزاد اسماعیل‌پور متأهل و دارای دو فرزند است و در حین کولبری دچار این حادثه شده و به دلیل شدت جراحات وارده جان خود را از دست داده است.

مرجان مجرذایی معلم شریف و زحمتکش پایه اول دبستان پسرانه ۱۵ خرداد در رفسنجان بر اثر گاز گرفتگی جان خود را از دست داد. مرجان مجرذایی معلم جوان و دلسوز رفسنجانی با احساس مسئولیت قوی و عاشق تدریس و دانش آموزان، عصر هنگام برای تدریس غیرحضوری به کارگاه پخت شیرین پزی می‌رود که هنگام ساخت ویدئو و ضبط محتوای درسی متوجه بوی گاز در محیط کارگاه نمی‌شود که بر اثر نشت گاز بیهوش شده و با حال وخیم به بیمارستان منتقل می‌شود اما با همه تلاش‌هایی که پزشکان انجام می‌دهند، متأسفانه این معلم جان خود را از دست می‌دهد.

محل اسکان (چادر) یک خانواده فصلی گوجه چین مهاجر در روستای شهنیا در شهرستان دیر استان بوشهر دچار آتش‌سوزی شد که در نتیجه آن یک کودک ۶ ساله به علت شدت سوختگی در دم جان باخت و مادر این خانواده نیز با سوختگی ۸۰ درصد به مرکز خدمات جامع سلامت بردخون و سپس بیمارستان زینبیه خورموج منتقل شد.

زندان و زندانیان

آرشام رضایی زندانی محبوس در زندان رجایی شهر علی‌رغم ناراحتی معده و بیماری و عدم رسیدگی پزشکی و ضرب و شتم با شوکر در زمان بازداشت، علاوه بر نداشتن مرخصی، اینک به دستور امین وزیری دادیار ناظر بر زندانیان سیاسی با محرومیت تماس هم مواجه شده است. آرشام رضایی به همراه محمد ابوالحسنی و شکیلا مفرد در پرونده‌ای مشترک مجموعاً به هشت سال زندان محکوم شدند.

لطیف روزیخواه عضو هیأت مدیره کانون صنفی فرهنگیان آذربایجان شرقی و از اعضای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران که از سوی دادگاه انقلاب شهرستان جلفا به اتهام تبلیغ علیه نظام به ۷ ماه حبس تعزیری محکوم شده بود، روز پنجشنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۰ جهت اجرای حکم روانه زندان جلفا شد.

راحله احمدی، از فعالین اجتماعی محبوس در بند زنان زندان اوین مدت زمانی طولانی علیرغم بروز علائم کرونا از جمله سرگیجه، بی‌حالی، اسهال و استفراغ، گلودرد و بدن درد از رسیدگی پزشکی محروم ماند. وی دو بار در زندان بر اثر سرگیجه زمین‌خورده و با ویلچر به بهداری منتقل شد. همچنین دستکم ۵ تن دیگر از

نمودند. در ادامه این برخورد روز پنجشنبه نیروهای امنیتی مانع ورود تعداد دیگری از فعالان از جمله رسول بدایی، مرتضی الیاسی، مسعود فرهیخته با قرار دادن ایست بازرسی مانع رسیدن آنان به مریوان شده و آنان را تحت الحفظ به سمت سندانج هدایت کردند.

در حال حاضر فعالان صنفی در حال بازگشت به استان‌های خود هستند و تاکنون فردی بازداشت نشده‌است. هدف از این مسافرت دیدار با مسئولان و اعلام همبستگی با خانواده آقای محمدی بوده و بر خلاف اخبار جعلی و فضا سازی نیروهای سرکوبگر هدف برگزاری تجمع نبوده‌است. با وجود تدابیر شدید امنیتی، سایر فعالان صنفی موفق شدند با خانواده شعبان محمدی دیدار نموده و به مسئولان نسبت به عواقب ادامه بازداشت و بی‌خبری از وضعیت این معلم در بند هشدار دهند که گزارش آن اطلاع‌رسانی خواهد شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران هر نوع تعرض و برخورد با فعالان صنفی را محکوم نموده در صورتی که اتفاق خاصی برای فعالان رخ دهد پاسخ معلمان محکم خواهد بود.

این خبر به روز رسانی خواهد شد و اطلاعات تکمیلی به سمع و نظر همکاران خواهد رسید. هر خبر خارج از مجرای کانال شورای هماهنگی فاقد صحت و وجهت است. در آستانه سی بهمن از فرهنگیان می‌خواهیم بر برگزاری تجمع باشکوه تمرکز نموده و اتحاد و همبستگی خود را حفظ نمایند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
۲۸ بهمن ۱۴۰۰

ریزش ساختمانی در رباط کریم ۹ مصدوم و کشته برجای گذاشت

مدیر عامل هلال احمر استان تهران: با توجه به امدادسانی عوامل عملیاتی هلال احمر و سایر دستگاه‌ها در پی رخ داد حادثه ریزش ساختمانی مسکونی در رباط کریم و ایجاد آوار، تا این لحظه ۹ نفر مصدوم و متأسفانه ۶ نفر جان خود را از دست دادند. ساعت ۷:۳۰ صبح امروز پس از بیرون کشیدن پیکر یک مرد از زیر آوار، عملیات آواربرداری و امدادسانی به حادثه‌دیدگان در رباط کریم به پایان رسید.

یورش نیروهای امنیتی به مراسم بکتاش آبتین و دستگیری تعدادی از فعالین

بنابر گزارش‌های منتشر شده در فضای مجازی، روز پنجشنبه ۲۸ بهمن‌ماه نیروهای امنیتی به مراسم چهلم بکتاش آبتین یورش بردند و ضمن ضرب و شتم شدید، تعدادی از فعالین را دستگیر کردند. بنا به گفته‌ی حاضرین یاشار تبریزی، مهربار ظفرمهر و کامبیز نوروززاده از بازداشت‌شدگان هستند. لیلای میرغفاری نیز شدیداً مورد آسیب قرار گرفته است و به وسیله آمبولانس منتقل شد.

زندانیان با علائم مشابهی روبرو شده اند که عدم اعزام به مرخصی درمانی و بی توجهی مسئولان به قرنطینه آنان موجب افزایش نگرانی‌ها نسبت به وضعیت سایر زندانیان شده است. راحله احمدی سرانجام روز چهارشنبه ۲۷ بهمن ماه، در شرایطی به مرخصی درمانی اعزام شد. راحله احمدی از حدود بیست سال پیش از تیرونیید کمکار رنج می‌برد و با توجه به خطرات این بیماری که می‌تواند سیستم ایمنی بدن را تضعیف یا مختل کند، بیم آن می‌رود که در صورت ابتلا به کرونا در زندان سلامت و جان وی در معرض خطر جدی قرار گیرد. او پیشتر در پی تبعید دخترش صبا کردافشاری به زندان قرچک ورامین، بر اثر فشار عصبی دچار مشکلات جسمانی شده و همچنین در پی ابتلا به آسیب دیسک، مجبور به استفاده از واکر شده است. خانم احمدی، فعال اجتماعی و از معترضین به حجاب در اواخر بهمن ماه ۱۳۹۸ پس از حضور در شعبه ۳ اجرای احکام دادسرای عمومی، بازداشت و جهت تحمل حبس به زندان اوین منتقل شد. ایشان توسط دادگاه انقلاب تهران در آذر ماه ۱۳۹۸ به ۴ سال و ۲ ماه حبس محکوم شد.

نامه ی یک معلم زندانی معترض

من نصرت بهشتی فرهنگی بازنشسته که ۸ سال پیش معترض به ساختار پوسیده آموزش و پرورش بودم با اینحالی که عاشق معلمی بوده و بودن با بچه ها و دانش آموزان را دوست داشتم با ۲۲ سال سابقه ی تدریس، استعفایم را تحویل داده و من هنوز نمی‌دانم بر چه اساسی من را بازنشسته اعلام کردند. حال به جرم اعتراض به کل سیستم حاکم به ۵ سال حبس محکوم شده ام که ۴ ماه آنرا گذرانده ام ولی به حکم صادره اعتراض نمودم. همچنین بعلت مشکلات کلیوی با تدوین وثیقه یک میلیارد ودویست میلیون تومانی مدتی ست درگیر مداوا و درمان بیماری ام هستم. امروز بعد از انجام عمل از بیمارستان ترخیص شدم، آیا این است لایق ما که بجای لذت بردن از زندگی و در کنار خانواده بودن باید ۵ سال از عمرم را در زندان بیدادگران بگذرانم؟ هرچند همه ما بنحوی در زندان بیدادگران بنام ایران بسر می‌بریم. خانم بهشتی ۱۳ مرداد به اتهام اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی بازداشت و توسط شعبه‌ی یک دادگاه انقلاب مشهد به پنج سال زندان محکوم شده بود، ایشان به قید وثیقه یک میلیارد ودویست میلیون تومانی آزاد شد.

ممانعت نیروهای امنیتی از دیدار فعالان صنفی با خانواده شعبان محمدی
بنابر هماهنگی‌های صورت گرفته توسط انجمن صنفی معلمان کردستان/ مریوان با مسئولان شهرستان اعم از دادستان و فرماندار و رییس اداره آموزش و پرورش، قرار بود روز پنجشنبه ۲۸ بهمن تعدادی از فعالان صنفی از استان‌های لرستان، البرز، تهران، گیلان، همدان و کرمانشاه و شهرهای سقز و سنندج با این مسئولان ملاقات نموده و آخرین وضعیت معلم زندانی آقای شعبان محمدی را پیگیری نموده و با خانواده وی دیدار نمایند.

اما متأسفانه نیمه شب گذشته، تعداد زیادی نیروی امنیتی و انتظامی در مریوان با یورش به منزل سوران لطفی، وی و مسعود نیکخواه را به همراه فعالان صنفی، محمد حبیبی، جعفر ابراهیمی، طاهر قادرزاده، محمد فتاحی، صلاح سورخی، را تحت‌الحفظ مجبور به خروج و ترک مریوان

آموزش رایگان برای همگان!

اطلاعیه مهم

همکاران ارجمند
معلمان بازنشسته و شاغل

با توجه به شیوع آمیکرون و تعطیلی مدارس در اکثر مناطق، تعداد زیادی از همکاران به تشکل‌های عضو شورا پیشنهاد تجدید نظر در تاریخ اعتراضات و تغییر نوع کنش را داده‌بودند. خواسته همکاران این بود که کنش اعتراضی تحسن به تجمع تبدیل گردد.

لذا با توجه به این پیشنهادات شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان برنامه تحسن و تجمع هفته آینده یعنی از ۲۳ تا ۲۷ بهمن ماه را لغو و برنامه جایگزین خود را را به شرح زیر اعلام می‌کند:

تجمع سراسری معلمان ایران شنبه، ۳۰

بهمن و سه‌شنبه، ۳ اسفند

همانگونه که می‌دانید هیچ‌یک از مطالبات ما تاکنون محقق نشده‌است و ما بر پای عهد خود با فرهنگیان ایستاده‌ایم. وعده‌های پوشالی در عزم و اراده ما خللی ایجاد نخواهد کرد و تا مطالبات بازنشستگان و شاغلان محقق نگردد. ضمن توجه به سایر اشکال پیگیری مطالبات، ما به اعتراضات خود ادامه می‌دهیم.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران
۲۰ بهمن ۱۴۰۰

مجمع عمومی ظرف ابراز وجود مستقیم و مستمر
کارگران است!

مجمع عمومی را آگاهانه و بنا به هر نیازی برپا کنید!

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

جمال کمانگر

jamalkamangar@yahoo.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی کمونیست

سر دبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!